



### «رئیس» پوست استقلال را کند

استراماچونی بابت نیم فصل کار در ایران دستمزد ۲ سال کامل را گرفت و کوچکترین توجهی هم به عواطف و احساسات هواداران نکرد

۱۸



### طفل سرراهی

فعلا خیال همه تیم‌ها آسوده است که به رده آخر لیگ نمی‌چسبند چون یونایتد با اقتدار رده بیستم را از آن خودش کرده است

۱۹



### برای پاریس برنامه داریم

سینا ضیغمی نژاد، برنده عمدال در مسابقات شنای کشور های اسلامی می‌گوید: اگر اقدامات میزبان نبود مدال‌های بیشتری می‌گرفتم

۲۰

# همیشه ورزش



# پاداش بایداری

ژنرال بعد از ۲۰ سال مربیگری در لیگ برتر به رکورد هزار امتیاز در این رقابت‌ها رسید. رکوردی که شاید تا سال‌های سال دست هیچ مربی دیگری به آن نرسد

## احساس می‌کنم تازه مربی شده‌ام

امیر قلعه‌نویی: انگیزه هیچ وقت در من کشته نمی‌شود



## روزمانده تا جام جهانی

### پخش زنده

خاتمه

۲۲:۰۰

اتلتيكو مادرید



لیگ برتر انگلیس

۲۳:۳۰

لیور پول



کرپستال پالاس

۲۳:۱۵

یوونتوس



ساسولو

لیگ برتر ایران - هفته ۲۰

۱۳۰۱ مرداد

ملوان

۱۹:۳۰

استقلال

۲۰:۳۰

مس رفسنجان

۲۱:۰۰

گل‌کهر

سیاهان

۱۸:۳۰

ترکتور

۱۹:۳۰

مس کرمان

۲۱:۰۰

پیکان

۱۹:۳۰

هوادار

۲۰:۳۰

صنعت نفت

۲۰:۳۰

المینیوم

۲۰:۳۰

پر سیولیس

۲۰:۳۰

فولاد

# جام، عشق و پوئن هزار!

اگر از بزرگ‌ترین مربیان دنیا بپرسید که چه چیزی در شغل ششان از همه چالش برانگیزتر است، احتمالا پاسخی به جز «استمرار» نخواهید شنید. استمرار برای یک مربی، تجربه سختی به نظر می‌رسد، چرا که فوتبال هر روز تغییر می‌کند، بازیکن‌ها هر روز عوض می‌شوند و تطبیق با ایده‌های تازه و حریص ماندن برای تکرار موفقیت‌های گذشته، ماموریت نفسگیری خواهد بود. در فوتبال باشگاهی ایران و از زمان شروع لیگ برتر به شکل و شیوه امروزی، هیچ مربی دیگری استمرار «امیر قلعه‌نویی» را نداشته است؛ کسی که با ۲۱ باشگاه مختلف قهرمان لیگ برتر ایران شده، به‌تنهایی یک چهارم قهرمانی لیگ را به‌دست آورده، بیشترین امتیاز در تاریخ ۳۱ باشگاه مختلف در لیگ برتر را کسب کرده و حالا در شروع فصل جدید، چهاررقمی شدن امتیازهایش به‌عنوان یک مربی را در لیگ جشن گرفته است. فاصله او با تعقیب‌کننده‌ها نیز آنقدر زیاد به‌نظر می‌رسد که این رکورد برای سال‌ها در اختیار خودش باقی خواهد ماند. امیر قلعه‌نویی شروع کننده یک جریان تازه در مربیگری در فوتبال ایران بود. او از یک سو به استفاده از روش‌های مدرن‌تر فنی علاقه داشت و از سوی دیگر سعی می‌کرد رگه‌های سنتی ناشی از علاقه به مربیانی مثل علی پروین را هم حفظ کند. این ترکیب به‌شدت در فوتبال ایران جواب داد؛ چرا که بازیکنان تیم همواره می‌دانستند که می‌توانند خشم او را فراهم بیاورند. قلعه‌نویی در حالی سرمربی استقلال شد که معمولاً باور عمومی در لیگ فوتبال ایران، سپردن نیمکت چنین باشگاهی به یک مربی کم‌تجربه نبود. او در شرایطی یک پروژه ۳ ساله را در استقلال تعریف کرد که معمولاً نقشه‌های درازمدت در این فوتبال جواب نمی‌دادند. موفقیت و قهرمانی لیگ در سومین سال اما مسیر خوبی برای این مربی ساخت. او را بیشتر از هر چیزی با جاه‌طلبی‌اش می‌شناسیم. ۲۰ سال بعد از شروع لیگ برتر، تا همین فصل گذشته قلعه‌نویی تنها کسی به‌شمار می‌رفت که توانسته استقلال را به سکوی اول لیگ برتر برساند. او یک دوره طلایی را هم در سپاهان تجربه کرد و در بازگشت دوباره به استقلال، باز هم قهرمان لیگ برتر شد. زمانی تماشای این مربی در کنار جام قهرمانی، عادت همیشه تعقیب‌کنندگان مسابقه‌های لیگ به حساب می‌آمد.

دوران مربیگری امیر قلعه‌نویی، تنها به پیروزی و افتخار گره نخورده است. او شکست‌هایی را تجربه کرده که شاید بسیاری از مربیان دیگر را از پا دریاورند. از دست‌دادن نیمکت تیم ملی بعد از سه‌ری کردن یک دوره بسیار کوتاه در این تیم، دور ماندن از جام قهرمانی با تراکتورسازی و جدایی ناخوشایند با نتایج ضعیف در آخرین روزهای حضور در استقلال، اتفاقات تلخی برای این مربی به‌نظر می‌رسیدند اما هیچ اتفاقی نتوانست او را از فوتبال جدا کند. قلعه‌نویی در لیگ ماند و به جست‌وجوی همیشگی‌اش برای موفقیت ادامه داد. شاید هیچ مربی دیگری در همه این سال‌ها، به اندازه او مورد تقدس و قضاوت قرار نگرفته است. اتهام‌هایی مثل کار کردن در تیم‌های ثروتمند یا فقدان جزئیات پرشمار فنی در زمین مسابقه، بارها علیه این مربی شکل گرفته‌اند اما همه این زرمه‌ها نیز بسدی بین او و فوتبال نساخته‌اند. آنچه قلعه‌نویی را همواره به فوتبال متصل نگه می‌دارد، نوعی از علاقه انکارنشدنی به این ورزش است. اگر هدف او تنها تغییر دادن شرایط مالی بود، چندین سال قبل قید ادامه‌دادن این ماراتن را می‌زد و اگر برنامه‌ای به جز دیده‌شدن نداشت، خیلی زودتر از اینجا از فوتبال رفته بود. او می‌خواهد بخشی از بازی باشد؛ بخشی از رقابت همیشگی در لیگ برتر. قلعه‌نویی به‌جای دیگری تعلق ندارد. او نه به سکوها و جایگاه وی‌آی‌پی، نه به استودیوهای کارشناسی تلویزیونی و نه حتی به میل‌خانه‌اش وقت تماشای فوتبال، بلکه به نیمکت‌های لیگ برتری تعلق دارد. این مهم‌ترین محل زندگی این مربی است. او را دوست داشته باشیم یا نه، سبک کاری‌اش را بیسندیم یا نه، باید بپذیریم که ژنرال بخشی جدانشدنی از تاریخ لیگ برتر است؛ موفق‌ترین مربی ایرانی تاریخ این لیگ و کسی که هنوز هم از جاه‌طلبی دست برنداشته و برنمی‌دارد. برای باور ایسن حقیقت، کافی است به یاد بیاوریم که ایسن مربی تا همین چند هفته قبل، گزینه جدی نشستن روی نیمکت تیم ملی در جام جهانی بود. کار امیر با رویاهای بزرگش، هنوز تمام نشده است. او یک مربی در واپسین سال‌های کاری نیست. او کسی است که می‌خواهد دوباره نیمکت تیم ملی را از آن خودش کند. او کسی است که می‌خواهد دوباره به حرارت سال‌های جوانی برگردد؛ چیزی شبیه یک تولد دوباره با فوت کردن شمع هزار. این مهم‌ترین انگیزه او برای ادامه‌دادن مربیگری است.

عکس: آوا فیصل امیرزاده